

# یک گام دیگر به سوی فروپاشی

ایران چه می‌اندیشد و چه می‌خواهد.

به گزارش خبرگزاری‌ها، علت پرونده‌ی تظاهرات روز جمعه در استادیوم امجدیه و خیابان‌های اطراف و نیز استادیوم آزادی، تظاهرات اعترافی به تصمیم دولت درباره لغو دو مسابقه فوتبال بوده است. اما شماره‌ای که بر زبان تظاهرکنندگان جازی شد و پیش از همه شماره‌ای "مرگ پر رفسنجانی" و "زندانی سیاسی آزاد پاید گردد"، بیانکر خشم توده‌ها از رژیم است که جزو گرسنگی، گرانی، بیکاری و مرگ چیزی به ارمغان نیاورده است. در واقع رویداد فوق تنها بهانه‌ای بوده، تا هزاران شهروند ایران، که تحت سلطه رژیم "ولایت فقیه" هیچگونه امکانی برای گردش آمدن ندارند، با استفاده از فرستاد، نفرت خوبیش را از مسیبان تیره روزی خود، یعنی رهبران جمهوری اسلامی ایران دارند و این نیز به هیچ وجه دور از انتظار نیست. نیز در کشورهای استبداد زده، چون ایران که انسانها از هرگونه حقوق دمکراتیک محرومند، هر رویداد بظاهر کوچک و کم اهمیتی می‌تواند به مثابه جرقه‌ای بر بشکه باروت عمل کند.

مردم ایران در یازدهمین

ادامه در ص ۶

مردم آزاده ایران!

درست پنج روز پس از پرهائی تظاهرات فرمایشی دستگاه حاکم به بهانه سالگرد انقلاب یهمن، که ادعای می‌شد پنج میلیون نفر در آن شرکت کرده اند، شهر تهران در روز جمعه ۲۷ بهمن ماه شاهد حرکت اعتراضی توده‌های به جان آمده علیه رژیم "ولایت فقیه" بود. این تظاهرات گسترشده با آنکه توسط ارگان‌های سرکوبکر رژیم به خاک و خون کشیده شد، اما با صراحت و روشنی تمام نشان داد که مردم

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۰۰، دوره هشتم،  
سال ششم، ۱۳۶۸، آستانه اسفند

## لزوم گسترش کانون‌های مستقل مبارزه

میلیونها ایرانی از چنگال خونین رژیم "ولایت فقیه" برداشت. مبارزان توده‌ای که خود را هوادار حزب می‌خوانند و در سخت ترین و خطرناک ترین شرایط، در حالیکه جانشان هر لحظه در خطر است، در راه انسجام نیروها مبارزه می‌کنند، توائسه اند به دستاوردهای نسبتاً چشمگیری در این عرصه نائل آیند. و این خود قابل ستایش است. رفاقت وفادار به آرمانهای حزب در خارج از کشور باید از این عمل هواداران حزب در داخل بیاموزند و مبارزه در راه اتحاد مهه نیروهای خواهان آزادی را صرف‌نظر از اختلاف‌های عقیدتی هر قدرهم شدید باشد، در سرلوحة دستور روز فعالیت عملی خود قرار دهنده. برای رسیدن به هدف مبارزه ادامه در ص ۲

نیستند؟ بیچ وجه نمی‌توان با چنین تصویری موافق کرد. به نظر ما نفع عمده اتحاد نیروها در جبهه واحد و زیرشمار مختارک عوامل ذهنی است. حال وقت آن فرارسیده است که تک تک ما در این باره عمیقاً بیاندیشیم و فراموش نکنیم که مردم ایران این مسامحه و تندی نظری در سیاست را هیچگاه نخواهند بخشید.

حزب ما، مدت‌هاست که می‌کوشد با وجود حملات از چه و راست، روی مسائلی تکیه کند که به انسجام نیروها در مبارزه علیه رژیم پاری رساند. به نظر ما، این سیاست در شرایط مشخص کنونی با مصالح عالی مردم و میهن همخوان است. غی توان ادعای دفاع از آزادی و استقلال کرد، اما حتی کامی در جهت تحقیق بخشیدن به آن شمارها، در جهت آزادکردن

مبارزه ای حاد و دشوار در شرایطی بسیار پترنج در جامعه ما ادامه دارد. مردم بجان آمده از هر فرستی برای اپراز مخالفت با سیاست ایران برباد ده رژیم استفاده می‌کنند. متفاونه چنانکه ما بارها نوشته ایم این مبارزه به علت امتناع نیروهای ایزویسیون خد رژیم از اتحاد عمل، پراکنده است. طبیعی است که هر چقدر پراکنگی مبارزه بیشتر باشد به همان نسبت اثربخشی آن نیز کمتر می‌شود.

چرا با وجود طیف بسیار گسترده‌ای از نیروهای سیاسی ضد رژیم، مستله حیاتی وحدت عمل و یا گردآمی در جبهه واحد به یک گروه ناگفتدن تبدیل شده است؟ آیا نیروها و شخصیت‌های سیاسی خواهان آزادی و صلح و استقلال قادر به درک امیت مبارزه متخد

## یادواره رفیق شهید ستار بابا نژاد

ص ۴

### در صفحات بعد

ص ۲

هشدار

در باره وحدت دو آلمان  
ص ۸

دیروز و امروز

هردم از این باغ بری می‌رسد  
ص ۳

## فتاوی پرسر و صدا - کشتار بی سر و صدا

یک کارشناس اسلامی نظرش را داده است و این باید هیاهو و سروصدما در جهان براکنیزد.

ظاهرا برای خشی کردن این فعالیت‌ها بود که جناح مقابل به تب و تاب افتاد. برخی تماذن‌گان مجلس، گروهی از سخنرانان مذهبی و بر راس آنان کروبی، رئیس مجلس در سخنرانی‌های خود به بهانه سالگرد صدور قتوای خمینی، گفتند که این حکم همچنان پایرجالاست و دیر یا زود باید توسط "فرزندان انقلابی جهان اسلام" به مرحله اجرا گذارد. شود. فشار واردۀ از سوی آنان به حدی بود که حتی خامنه‌ای و پزدی نیز در عمل مجبور شدند برخلاف مواضع پیشین خود بر "معتبر بودن" حکم خمینی مهر تأیید زند. البته خطا ادامه در ص ۲

یکی از وجوده مشخصه حاکمیت جمهوری اسلامی این است که نحوه برخورد با هر مستله ای همواره به موضوع اختلاف و نزاع میان جناح‌های عمدۀ آن بدل می‌گردد. براین اساس است که یک سال پس از صدور قتوای قتل سلمان رشدی از سوی خمینی، این موضوع همچنان یکی از مسائل مورد بحث در جمهوری اسلامی است. در روزهای اخیر برخی از چهره‌های جناح معروف به "میانه رو" چون مهدوی کنی، از نو کوشیدند با طرح اینکه پس از مرگ خمینی قتوای او نیز باطل شده، نقطه ختامی بر این موضوع پرسر و صدا بگذارند. هاشمی رفسنجانی نیز که بنابر مقتضیات "سیاست نزدیکی با غرب" همیشه در راس اینکردن تلاش‌ها قرار دارد، در نماز جمعه تهران گفت: "امام به عنوان

## زنده باد آزادی و صلح، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

هندار

اخيراً نامه هشدار آمیزی درباره فعالیت مغرب  
یکی از عناصر آشکارا وابسته به سازمان اطلاعات در  
بین بیروهای مختلف حکومت جمهوری اسلامی در  
داخل و خارج از کشور دریافت کرده ام که جهت  
اطلاع همه احزاب و سازمان های مترقب منتهی می  
سازم. در عین حال یادآور می شودم که این گزارش  
باری یک پرده از فکردها و نیوپهای توطنه آمیز  
نهادهای اطلاعاتی رئیم برای ضریبه زدن به بیروهای  
مخالف و دشمن می دهد. با آگاهی و هشیاری  
همکاری باشد کوشید توطنه های گوناگون حاکمیت  
برای ضریبه زدن به چنین ضد رژیم را بی اثر سازن و  
اما اصل نامه دریافتی :

خانوی به نام آذربایانو جمفری، استاد رشته  
جامعه شناسی "دانشگاه حلامه طباطبائی" ایران، با  
استفاده از بورس دولتی از جمهوری اسلامی و تحت  
عنوان مطالعه پیرامون "مسائل زنین جامه شناسی  
امروز چنان" به فرانسه برای مدت یک سال آمده  
است. این خانم با یک فرزندش در تهران زندگی و  
کار می کرد. در کوران فعالیت سوسیالیستی  
خانم سعی کرد با تقدیر به گرایشات سوسیالیستی  
در سطح هرچه کتره تر با اعضا و هواداران  
حزب آشنا شود. پس از پیوشری به حزب او یکی از  
کسانی بود که نقش بسیار فعالی در معروفی توده ای  
ها به سپاه ایضا کرد. پس از آن، مدتی با هواداران  
سازمان "اکثریت" و "راه کارگر" ارتباط برقرار کرد و  
این ارتباط در برخی زمینه های پویایی ها بوده با هواداران حزب  
و "راه کارگر" همچنان ادامه دارد. این خانم پس از  
پیوشری به حزب سه مرتبه از جمهوری اسلامی وام  
مسکن دریافت کرده و هم اکنون بجز منزل شخصی  
مجملش، صاحب سه آیه اقان شخصی دیگر است که  
اجاره داده است. افزون بر اینها یک باغ بزرگ در  
کرج خریداری کرده است. این خانم بجز استادی  
دانشگاه، در سال ۱۴۷۶ مجوز رسی دایر کردن یک  
دفتر و کالت را هم از جمهوری اسلامی دریافت کرد و  
ظاهرا این سرمایه ها تبیه درآمدی است که از راه  
وکالت بدست می آورد. آنچه مسلم است این خانم  
گذشته از فعالیت پر شد حزب، زمانی که در  
دانشگاه حلامه طباطبائی سرگرم تدریس بوده است،  
گزارشات در رابطه با عملکرد پرخی استادان، برای  
دفتر حواس (ساوا�ی دانشگاه) وزارت علوم می  
فرستاده است. در حال حاضر، او در پارسیس مجدد  
سین می کند با اعضای گذشته و حال و وضعیت حزب  
و نقش حزب در آینده و قدرت و نیروی حزب طباطبائی  
کند. بیشتر وقت این خانم بجای بحث مطالعه پیرامون  
"مسائل جامعه شناسی فلسفی چنان"، صرف نه  
تهاشناستی رفاقتی حزبی ما، بلکه دیگر مخالفان  
رزم، در هین حال هرف کشیدن از آنها و دامن زدن  
به بحث های تقریه افکنانه می گذرد.

مجمعه‌ای آنچه گفته شد، تصویری نه چندان  
کامل از سیمای ددمتش رئیس حاکم بر ایران است.  
حتی اگر ملاحظات معین سیاسی حکام جمهوری  
اسلامی را در آینده به مسکوت گذاردن قتوای خمینی  
وادر کند، تغییری در ماهیت رژیم وجود نخواهد  
آمد. رئیس "لایل قیمه" بنا بر ماهیت خود ناقص و ضعیف  
حقوق و اراده های دمکراتیک است و تنها با حذف آن  
می توان به عملکرد ترویجی و ضد دمکراتیش  
پایان داد. مردم ایران نیز در این سمت مبارزه می

محدود می توانند کار تبلیغ و ترویج را سازمان دهند. می توان حتی با یک کار بسیار ساده یعنی پخش اخبار مربوط به محلات گوناگون در سطح همه شهر انسانها را به عرصه پوکار هدایت کرد.

هاداران حزب که آماده فعالیت و عمل  
مستند نباید در انتظار ایجاد تأسیس با مرکز  
دست روی دست بگذاردند. هر روز که ما عمل  
کنکشیم باشته ایم. سروشوست مردم در داخل کشور  
و به دست خود مردم ایران و به پیشنازی  
مبارزان قداکار تعیین خواهد شد. به همین سبب  
باید همه نیروها را متوجه صحنه اصلی مبارزه  
کرد. همه هاداران و علاقمندان حزب در هر  
کجا که مستند می توانند حتی به تنهائی وظیفه  
خود را در مقابل خلق ایفا کنند. اگر این اصل را  
قبول داشته باشیم که توده ای یعنی سرباز مدافع  
منافع توده های میلیونی، یعنی حافظ استقلال،  
یعنی مبارزه در راه آزادی و دمکراسی، یعنی  
شمن ارتقای و امپریالیسم، در اینصورت باید  
بدون طرح انواع "اگرها" و "مکرها" گام بر  
عرضه پیکار بگذارم.

اگر هنوز در حاکمیت جمهوری اسلامی درباره لزوم قتل سلمان رشدی سخن گفته می شود، چگونه می توان انتظار داشت که کوچکترین حقی برای مردم ایران به رسمیت شناخته شود. ز این روزست که هنوز هزاران انسان دگراندیش در شرایطی غیرامسانی زندانی اند و به گونه ای تدریجی و بی سروصد از میان بوده ای شوند. غیر از اعدام های فردی و گروهی، که هیچگاه متوقف نشده، شیوه ای که بیش از پیش مورد استفاده زندانیان جمهوری اسلامی قرار می گیرد، رساندن زندانیان به سرحد مرگ و سپس ازัด کردن آنان است. این گروه از زندانیان که برایر کمبود مواد غذایی، نبود بهداشت و شکنجه های دائمی جسمی و روحی با مرد دست به گریبانند به اصطلاح آزاد می شوند و پس از کوتاه زمانی زندگی را بدرود می گویند. حکام جمهوری اسلامی هم ظاهرا هیچ مستولیتی در قبال مرگ آنان ددارند. البته سیاست کشتار مخالفان و دگراندیشان تنها به داخل کشور محدود نمی شود، گروه های تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی مهاجران سیاسی مقیم خارج از کشور را نیز به قتل می رسانند.

در جمهوری اسلامی از آزادی بیان، قلم و اجتماعات خبری نیست. اگر در گذشته نه چندان دور وجود حالت جنکی بهانه نتفع آزادی های دمکراتیک بود، امروز پای مسائلی چون تنظیم آئین نامه های اجرائی و امثال آن به میان کشیده می شود. هرگونه حرکت اعتراضی به وحشیانه ترین و جهی سرکوب می گردد. استفاده از شیوه غیرانسانی اعدام درباره مجرمان عادی روز به روز گسترده تر می شود. اجرای احکام اعدام در کوچه و خیابان به قصد ایجاد رعب و وحشت عمومی، به یکی از مناظر دائمی شهرهای ایران تبدیل شده است. دست اندازی عناصر واپسی به نهادهای انتظامی حاکمیت به حرم زندگی و خانه شهروندان آذنچان ابعاد گسترشده ای به خود گرفته، که حتی یزدی

مشترک نیروها قبل از هرچیز ابتکار عمل رفاقت در محل اهمیت دارد. هواداران حزب مشکل در هسته های گوناگون می توانند نقش پسیار مشتبی در این زمینه ایفا کنند. البته این بدان معنا نیست که هواداران غیر مشکل در هسته ها باید از این روند کنار مانند. در نامه های که به دست ما می رسد پیشنهادهای ارزشمند ای ارائه می شود. مثلا، رفیقی در نامه ای می نویسد "در ایران امکانات بالغفل مردم و مخصوصاً فعالین صادق سیاسی وجود دارد". وی مسئله چگونگی بهره گیری از این امکانات را نیز بررسی کرده و پیشنهاد ایجاد "کانونهای مستقل" را که بتواند "امر مبارزات اجتماعی مردم را پیش ببرند" مطرح می کند. چرا نه؟ م اکنون چنین کانونهایی در کشور وجود دارند و فعالانه مبارزه می کنند. "نامه مردم" فعالیت این کانونها را منعکس ساخته و در آینده نیز به این کار ادامه خواهد داد. ما هم با این نظر موافقیم که چنین "کانونهای مستقل" حتی با امکانات

فتواي پر سروحدا ...

خواهد بود اگر از اختلاف نظرهای موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی بر سر موضوع سلمان رشدی، اینگونه پرداشت شود که گویا جناح‌های عمدۀ حاکمیت پرسنّه‌های برجورد با آزادی‌ها و منشور حقوق بشر با یکدیگر اختلاف نظر دارند. درواقع در پس بحث و جدل پرسنّه‌های خمینی، نژاع اصلی، یعنی تلاش جناح‌های حاکمیت برای پیشبرد سیاست خود و کسب موقعیت انتصاری قراردادار. زیرا حاکمان جمهوری اسلامی - از هر جناح- تا کنون نشان داده اند که در مواردی نه اندک، در محو دگراندیشان و آزادیخواهان به گونه‌ای بیکسان عمل کده‌اند.

قوای خمینی درباره واجب القتل بودن  
سلمان رشدی البته رویداد مهمی بود. اما نه  
بیشتر از جنبه فردی آن. اهمیت ماجراهی سلمان  
رشدی - حداقل برای ایرانیان - در آن بود که  
مردم جهان توانستند در خلال آن به نحوی  
ملموس با سیمای رسم حاکم بر ایران آشنا  
شوند. زیرا کشتار دامنه دگراندیشان، ملی  
سال های حاکمیت روم "لایت قیمه" متاسفانه  
هیچگاه به صورتی جدی در مرکز توجه رسانه ها  
ی خبری جهان قرار نگرفت. کافی است برای  
اثبات این ادعا، میزان خبرهایی را که درباره  
فاجمه ملی کشتار زندانیان سیاسی منتشر شد،  
با اخبار مربوط به ماجراهی سلمان رشدی  
مقایسه کنیم. صدها انسان - و از آن جمله دهها  
نویسنده، شاعر و مترجم - که در سال های  
اخیر در ایران به قتل رسیدند، قاعدتاً می  
پایست به اندازه سلمان رشدی از حق زندگی و  
آزادی بیان و قلم پرخوردار باشند. اما این امر  
مانع از آن نشد که آنان بی سروصدای، بی آنکه  
هیچگونه واکنش جدی بین المللی پرانگیخته  
شود، در گوش سیاهچالها برای همیشه خاموش  
شوند.

قبل از جنگ جهانی دوم یکی از پژوهشگران کشورهای صنعتی جهان بشمار می رفت؟ آیا وی نمی داد که ماشین نظامی ژاپن پیشرفتی بود و به معین سبب توانست سالها با یکی از صنعتی ترین کشورهای جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا مقابله کند؟ و انکه اگر ژاپن فقط توانست با ۱۰ میلیارد دلار، بدون داشتن یا یکه صنعتی گسترده این چنین رشد کرد چرا جمهوری اسلامی با بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار درآمد نتفی که طی ۱۰ سال گذشته بدست اورد طبقه بحران اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است؟

طی ۱۱ سال پس از انقلاب رژیم اکر می خواست می توانست حداقل یک نسل جدید کارشناسان تربیت کند. رژیم مبلغ خرافات، می تواند طرفدار رشد آموزش و فرهنگ در جامعه باشد.

برای ترسیم ژرفای ورشکست اقتصادی رژیم از خود آقای کارشناس شاهد مثال می آورم. او گفت: "صنعت طی سالهای اخیر بطور متوجه سالیانه ۷ درصد رشد منفی داشته است و این رشد منفی در صنایع سنگین ۱۵ درصد بوده است".

این ارقام بیانگر فاجعه پسیار عظیمی است. البته آقای پاییزید مردوخی سال مبدأ را که پس از آن رشد منفی آغاز شده دقیقاً تعیین نمی کند. اگر نوشتہ های مسئولان امور را مورد توجه قرار دهیم سال ۱۳۶۲ بهترین و آخرین سال رشد "روند صنعتی" بوده و پس از آن سیر نزولی تولید در همه رشته ها آغاز شده است. باید خاطرنشان سازیم حتی در سال ۱۳۶۲ سطح تولید از سال ۱۳۵۶ پسیار پائین تر بود. با توجه به آنچه گفتم می توان محاسبه کرد که در فاصله سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸، یعنی پنج سال صنایع سبک حدود ۳۵ درصد و صنایع سنگین ۷۵ درصد رشد منفی داشته اند.

ایما پس از این محاسبه ساده باز نیازی به "ایلات" این نظر است که "ما از خلاط توسعه صنعتی و سهم بخش صنعت در کل تولید ناخالص داخلی پسیار عقب هستیم؟" البته نهایاً سیاست ضد خلقی رژیم، کشور ما را به چنان ورشکستکی اقتصادی و مالی سوق داده که نجات از آن بدون تحول بنیادی سیاسی محال است. تا زمانی که این روند طی نشده، قرق و محرومیت در جامعه ما گسترش پیشتری خواهد پافت.

ما در تحلیل هدف های برنامه پنجماله رژیم به هنگام بحث درباره مواد آن ثابت کردیم که حتی در صورت اجرای کامل برنامه دردی درمان غواص شد. آقای کارشناس وزارت برنامه و بودجه نیز این نظر را تأیید کرد. به عقیده وی برنامه "تفیرات اساسی" پدیده خواهد آورد. یکاده وظیفه برنامه پنجماله عبارت خواهد بود از جلوگیری از "روند نزولی" تولید، آنهم در چارچوب صنایع وابسته کشوری. به گفته پاییزید مردوخی در پایان برنامه پنجماله تها آز ۶۰ تا ۷۰ درصد طرفت واحدهای تولیدی موجود بهره برداری خواهد شد. آیا برای براه اندختن طرفت

## هردم از این باع بری میزد ...

اقتصادی - اجتماعی ازین نفعاً بود. چنین مدلی در شرایط وجود امکان برخورد نظرات کوئاگون به معنای مسابقه آزاد آنها می تواند تجلی کند. و این هم بدون آزادیهای دمکراتیک در جامعه، بدون مراجع اکید پلورالیسم سیاسی و مالاً پلورالیسم نظری غیرممکن است. آیا آقای کارشناس نمی داد که در جامعه کشور ایران یعنی در جوانش از رژیم استبدادی قرون وسطانی "ولايت فقیه" پلورالیسم سیاسی و نظری می تواند عمل کند؟ قاعدها هرکارشناس اقتصادی و مالی باید با این نباشد.

از خود سخنران مثال می آورم. او می گوید از ۱/۵ میلیون نفر جمعیت شاغل در بخش صنعت، تنها ۳ درصد پاسوادانی هستند که تحول تکنولوژیک به دانش آنها بستگی دارد. همچنین ۱/۳ درصد از جمعیت شاغل در این بخش "کارشناس علوم" هستند. چرا کشور ما از خلاط پساعت علمی این چنین قطیر و دور مانده است؟ آقای سخنران جسارت افشاء دلایل واپس ماندگی علمی و فرهنگی را ندارد. او نمی تواند بکوید که رژیم "ولايت فقیه" دشمن سرخست علم و دانش است. او نمی گوید که طی ۱۱ سال پس از انقلاب رژیم اکر می خواست می توانست از حداقل یک نسل جدید کارشناسان تربیت کند. چرا کشور ما از تامین رشد واقعی صنعتی و کشاورزی ... نامید. از این گذشته برنامه پنجماله عمرانی رژیم، یعنی مدل رشد برون رفت از بحران ساختاری را ارائه نمی دهد. اما، آقای پاییزید مردوخی معتقد است که این برنامه می تواند مشکلات را حل کند.

جالب است که کارشناس سازمان برنامه و بودجه بازهم مانند دوران رژیم گذشته مدل ژاپن را پیش می کشد؛ به این استدلال وی توجه کنید؛ "جامعه ای که نرخ پس انداز در آن بالا می باشد بالقوه می تواند از رشد برخوردار باشد. در کشور ژاپن ۲۵ درصد از درآمد ملی پس انداز می گردد".

اولاً چگونه می توان جمهوری اسلامی یعنی یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان از خلاط صنعتی را با کشور پیشرفت صنعتی ژاپن مقایسه کرد؟ ثانیاً، کدام کارشناس اقتصادی می تواند نرخ پس انداز را صرف نظر از سطح رشد صنعتی و ... دلیل برخورداری بالقوه از رشد، بداند. رشد اقتصادی وابسته به عوامل کوئاگون و قبل از همه سیاست اقتصادی - اجتماعی سنجیده و منطبق با شرایط عینی جامعه است.

و انکه بدون وجود مدل دقیق رشد اقتصادی - اجتماعی و ثبات سیاسی، نه نرخ پس انداز می تواند چشمکیر باشد و نه حتی در صورت بالا بودن نرخ آن می تواند مشتمل واقع شود.

آقای پاییزید مردوخی نیز اندکی بعد عوامل

مهمی از قبیل ثبات سیاسی، ثبات قوانین و مقررات، درجه پیشرفت علمی و تکنولوژیکی، آموزش مهارت های فنی را برمی شمارد که قاعدها نتش درجه اول در تامین نرخ بالای رشد دارند. اما، حتی وجود این عوامل هم بدون مدل

چگونه می توان جمهوری اسلامی یعنی یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان از خلاط صنعتی را با کشور پیشرفت صنعتی ژاپن مقایسه کرد؟

به موقع خود، "نامه مودم" طرح برنامه نشان دادم که این برنامه فاقد پایه منطقی است و اصولاً نمی توان آن را یک برنامه علمی برای از این رشد واقعی صنعتی و کشاورزی ... نامید. قدر به گفتن این حقیقت روشن نیست که رژیم مبلغ خرافات، می تواند طرفدار رشد آموزش و فرهنگ در جامعه باشد.

برگردیم به "نظرات علمی" آقای کارشناس. او می گوید: "پرخلاف تصور خلی از افراد که عامل رشد و توسعه را مسائل ارزی ذکر می کنند معتقدم بول تعیین گذشته نیست...". دقت می کنید، کارشناس وزارت برنامه و بودجه نه تنها ارز بول را هم عامل رشد توسعه نمی داند. باید از این آقا پرسیده: پس آن حال مشکلات که مورد نیاز نه تنها ایران، بلکه دهها کشور واپس مانده است چیست و چگونه می توان به آن دست یافت؟

آقای پاییزید مردوخی باز هم دست به دامن ژاپن می شود: "... دلیل این مدعای آن است که ژاپن در طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ یعنی در مدت ۳۰ سال برای کسب دانش فنی و خودکفایی تکنولوژی فقط ۱۰ میلیارد دلار خرج کرد". ملاحظه می کنید کارشناسان چ.ا. مسائل پسیار بفرموده را چگونه به آسانی حل می کنند؟ ژاپن در مدت ۲۰ سال با صرف ۱۰ میلیارد دلار و انعقاد سالانه ۱۰۰۰ قرارداد با همان بول کم توانست به کشور صنعتی پیشرفتی جهان تبدیل شود. البته این ادعای کودکانه از آن کارشناس وزارت برنامه و بودجه رژیم "ولايت فقیه" است. از دو حال خارج نیست یا وی از تاریخ رشد صنعتی ژاپن بی اطلاع است و یا هدفش عوامگیری است.

آقای کارشناس نمی داد که ژاپن حتی وجود این عوامل مدل

یادواره رفیق شهید ستار بابانژاد

## فرزند راستین زحمتکشان



"استواری ستار و چهره خندان او در زندان اوین معروف عام و خاص بود"

زندانیان "تواب" رازهای مکویشان را در فرست های هوایی و ... با او درمیان می گذشتند و چاره جوئی می کردند چرا که مطمئن بودند زبان ستار باز نخواهد شد. در اوایل تابستان سال ۱۳۶۶ زندانیان می کش را برای اعمال فشار بیشتر به گوهردشت انتقال دادند. ستار در آن هنگام ضرب و شتم قرار دادند. ستار در آن هنگام از خود دفاع کرد و چند نگهبان را به زیر مشت و لکد گرفت. پیکرله و لورده ستار را بعد از این ماجرا به بیمارستان بردند در حالیکه خطر کوری ناشی از شدت جراحات وارده وجود داشت. در ملاقات بعدی خانواده اش که او را با چنان سرووضعی دیدند علت را جویا شدند. ستار به صدای بلند - طوری که در همه سالن شنیده می شد - گفت: اینها بی خود و بی جهت ما را می زندند ولی مادر ناراحت نباش من هم تا آنجا که زورم بررسد از خودم دفاع می کنم و آنها را می زنم. نگهبانان سرسریستند و این بار در پرایر خانواده اش او را به باد کتک گرفتند. اند کی پیش از اعدام، در جلسه ای که از سوی زندانیان سازمان داده شده بود، گروهی از "توابین" ستار را به زور بالا پردازد، تا به اصطلاح از حزب اعلام انزواج کنند. اما او بی آنکه حرفی بزند، لبخند ببر لب سرجایش بازگشت.

یاد و راه رفیق ستار، این فرزند راستین زحمتکشان جاودانه باد!

زندان اوین معروف عام و خاص بود نگهبانان نیز او را بخوبی می شناختند و مواظب بودند که پیش او به حزب بد و بپره نگویند. هنگام دستگیری همسرش پسرش باردار بود و او در زندان خبر تولد پسرش ساسان را دریافت کرد. پسرش روز به روز بزرگتر شد ولی پدر را همیشه پشت شیشه های زندان دید. ستار در اواخر پائیز ۶۳ دو اوین به دادگاه رفت و از مواضع حزب دفاع کرد و چون اتهام خاصی نداشت حکم آزادی گرفت البته به شرط مصاحبه و تویه. از آن هنگام او از معروفترین زندانیان ملی کش اوین و گوهردشت بود. اولیارها و بارها برای تنبیه از اتفاقی به اتاق دیگربرده شد، انفرادی کشید و شلاق خورد ولی هیچگاه زیانش از احتراض باز نایستاد. همه زندانیان به او احترام می گذاشتند و در مورد هر مسئله ای که پیش می آمد، نظر "آقاستار" را جویا می شدند حتی برخی از

تا آن هنگام که فاجعه ملی فرا رسد، پیش از ۶ بهار را در زندان گذرانده بود. چهار سال پیش از آن، به او گفته بودند که تو آزادی تنها به یک سرمه، تویه کن! و رفیق ستار چنان نکرد و در بند ماند درست چهار سال. و در پایان کار هنگامیکه همان شرط را از نوع در برآورش گذاردند همان پاسخی را شنیدند که پیشتر شنیده بودند ...

رفیق ستار بایانژاد در سال ۱۳۲۷ در شهرستان اردبیل در یک خانواده فقیر و پرجمعیت کارگری چشم به جهان گشود. در زادگاه خود راهی دبستان و دبیرستان گردید. بعد از هایان دوره سریازی برای ادامه تحصیل در رشته راه و ساختمان راهی تهران شد. در تهران مدتی در شهرداری کار کرد. پس از مدتی در یک شرکت خصوصی به کار پرداخت و از طرف شرکت به اصفهان، شیراز و ایرانشهر منتقل شد. قبل از انقلاب، به کرج رفت و مسئولیت ساختمان سیلوی آن شهرستان را بر عهده گرفت.

رفیق ستار در سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد و بعد از سه ماه زندگی مشترک بازداشت و روانه شکنجه گامهای قرون وسطانی جمهوری اسلامی گردید. رفیق طی هفت سال که در شرایط بسیار دشوار زندان پسر می برد، همواره بطور آشکار به توهه ای بودن خود افتخار می کرد. بطوری که به تعريف همبندهایش، تمامی زندانیان تنها چیزی که در قبال آزادیش از او می خواستند، فقط و فقط تصرفنامه بود. از او می خواستند به آرمان هایش پشت کند ولی او هیچگاه و به هیچ قیمتی حاضر به این کار نشد تا جایی که پهرازش ترین سرمایه زندگی خود یعنی جانش را در جریان فاجعه ملی فدا کرد.

رفیق ستار مسئول تشکیلات حزب در کرج بود.

یکی از رفقا طی گزارشی درباره رفیق ستار نوشت: "استواری ستار و چهره خندان او در

### تزویر

روزها دستها را  
به اختیاط

مکررسه بار آب می کشند  
و شبها در خون انسانها  
هزاران بار غسل می کنند

\* روزها

رویه خدای خویش می آورند  
گوئی عشق می ورزند  
و شبا  
دلهای عاشقان را دفن می کنند

\* و از وحشت روشنائی

نه فانوسها،  
که چلچراغها را به دار می کشند.  
و دلالان جهل  
کنج های انسانیت و ایمان را  
زنده به گور می کنند.

\* و اینکونه بود که

عارفانی نو به بازار آمدند  
که خدای خویش را نیز  
به گور سپردند.

و عمومی فراروید.

- سرکوب امترافات مسالمت آمیز دهقانان و مردم سرخس و اعلام رسمی و علنی محکومیت ۲۱ تن از شرکت کنندگان در آن در برابر اتفاق همومی به خاطر آن موروت می گیرد که می خواهد از توده

مجدداً دستور دستگیری ۲۰ نفر را صادر که به دلیل عدم حضور در منازل موفق به دستگیری تنها ۴ نفر می شود که به دستور آقای دادستان آنها را بازجویی و سپس آزاد می نمایند. آنکه آقای علیزاده بدون کسب تیجه و در حالیکه مردم از خبر عملیات شب گذشت

در جمهوری اسلامی، کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و گرسنگان و پاپرها که کارد به استخوانشان رسیده از حق هرگونه اعتراض فردی و جمعی و مبارزه متشکل در راه دستیابی به خواستهایشان محرومند. برخورد خشونت آمیز نسبت به اعتراض و راهنمایی دهقانان حق طلب و

"مردم زجرکشیده و محروم آتاب نشین و پاپرها سرخس، مردمی که سروپورت چروکیده و سیاه چرده فان مر انسان... را تکان می دهد، مردمی که

۶۰ سال زجر و ستم ماموران ستمشاگر را تحمل نمودند، مردمی که در حومه ترکز تکنولوژی بالایشکاه کاز و میادین سرشار گاز طبیعی در گوشه

ای از این کشور با لقمه ای قان خشک قناعت کرده و در هوای گرم و طوفان های شن و غیراستفاده بودن آب

"اشاییدنی، مرز را نگهداری و حراست می کنند..." (تایید سرخس - "رسالت" ۱۸/۱/۱۸) تنها یک ثونه از اقدامات سرکوبکارانه رزم است.

و اما جریان این سرکوبکری اشکار از چه قرار است؟ به نقل از دست اندکاران امور، در اسفندماه

سال گذشته حدود ۲۰۰ نفر از دهقانان و اهالی منطقه سرخس در اعتراض به سیاست واکذاری زمین توسط "اداره املاک آستان قدس"، اقدام به راهنمایی می کنند. برای فروشناندن موج خشم و اعتراض

راهنمایان، هیئتی از جانب "شورای تامین استان خراسان" در محل حاضر می شود و وعده رسیدگی به خواستهای راهنمایان در غرفه ۱۵ روز را می دهد.

ولی پس از شش ماه خلف وعده و عدم رسیدگی، مردم در روز ۱۵ شهریور در محل چند حلقه چاه آب آستان قدس رضوی "برای خاموش کردن موتورهای آب، گرد

می آیند. شایان ذکر است که در این گردهمانی اعتراضی نه تنها "خانواده شهدا" آنهم در پیشاپیش مردم، بلکه بخشدار نیز حضور داشته است. در پی

این اقدام، "آستان قدس رضوی" به قوه قضائیه شکایت می برد و آیت الله یزدی، رئیس این قوه، بلافاصله

جنت الاسلام علیزاده، دادستان دادسرای عمومی مشهد را مستول رسیدگی به این پرونده و صدور حکم می کند. به گفته تایید سرخس و فریان، علیزاده روز

۲۱ شهریور ماه وارد شهر سرخس می شود. "حکم دستگیری عده ای را به عنوان محرك صادر می نماید.

پس از بازداشت آنها، مردم مطلع شده و در مقابل شهربانی تجمع و بالاخره آقای علیزاده حکم آزادی ۱۲ نفر را صادر می نماید. پس از آزادی ۱۲ نفر از افراد بازداشتی در ساعت ۲ بعد از نیمه شب همان روز نیز

## پاسخ رژیم به اعتراض دهقانان گرسنه:

### دست بند، بازداشت، شکنجه و زندان

های مردم زهر چشم بگیرد. ولی خاکل از آن است که مردم از این رویدادها درس می گیرند و با آگاهی بیشتر کام به میدان مبارزه می کنند. این واقعیت است که حتی از نکاه برخی از دست اندکاران رزم نیز پنهان نیست، وقتی از پشت تریبون مجلس می شنوم"

"اگر بعضی از آگاهان تصور می کنند که این نوع مشکلات در سرخس با سرکوب ثوران مردم و ایجاد رعب و وحشت حل می شود و برای دیگران درس عبرت می گردد سخت در اختیارند".

- اعتراضات دهقانان سرخس بخودی خود نشانگر وجود چنین دهقانی در روستاهاست. این چنین در سال های بعد از انقلاب، هرچند فرازونشیب های را از سر گذرانده، ولی آتش آن هیچگاه خاموش نشده است. این چنین در اینبوه خواستهای برآورده نشده دهقانان از جمله و پویه عدم تسویه و اجرای یک قانون اصلاحات ارضی بیناید بسود دهقانان کم زمین و بی زمین در روستاهای ریشه دارد.

- طیف شرکت کنندگان در چنین دهقانانی در روستاهای سپار گستره است و بطوریکه در مواردی اهالی روستاهای حتی "خانواده شهدا" و برخی از کارگزاران جمهوری اسلامی رانیز دربر می گیرد.

- سرکوب توده های محروم روستائی در سرخس که خواست و اگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین و نه بزرگ مالکان را مطرح می سازند باردیگر خصلت ضد دمکراتیک رزم را نشان داد که

سپس "شورای تامین استان" تصمیم می گیرد دگرباره هیئتی را به سرپرستی علیزاده راهی سرخس سازد. پس از آمدن علیزاده در سرخس تظاهرات اعتراض آمیزی برایه افتاد. تظاهر کنندگان شمار می دهند:

"ما گرسنه ام، نان می خواهیم  
ما گرسنه ام، زمین می خواهیم".

با پایان گرفتن تظاهرات، علیزاده احکام بازداشت برای "عده زیادی" صادر می کند. کوتاه سخن، بعد از چند ماه سرایجام دادستان دادسرای عمومی مشهد طی یک مصائب مطبوعاتی و رادیو-تلوزیونی اعلام داشت که ۲۱ تن از متهمان تصرف عدوانی و اخلال در نظم عمومی محکوم به زندان و تبعید شدند. محرك اصلی این ماجرا به ۲/۵ سال حبس و ۱۰ سال تبعید از سرخس محکوم گردید.

در عین حال "بخشدار سابق سرخس" به جرم معاویت ... به ۱ سال حبس تمزیری و ۵ سال محرومیت از اشتغال به کار در استانداری و پست های مختلف محکوم (گردید)" (رسالت ۶۴/۱۸).

در ارتباط با اقدامات سرکوبکارانه رزم علیه دهقانان و مردم سرخس می توان به برخی تیجه

کیری ها پرداخت،

- سرکوب اعتراضات دهقانان و مردم سرخس

باردیگر خصلت ضد دمکراتیک رزم را نشان داد که

تلاش می ورزد هر چنین حق طلبانه را به خاک و خون بکشد و هر فریاد دادخواهی را در گلو خنے

کند، چرا که می ترسد هر جرقه خشم و اعتراض مردم، حتی اگر موضوع هم باشد، به یک چنیش وسیع



## در مطبوعات مجاز

### فضای برادری و انصاف در جمهوری اسلامی

یکی از اضای جامعه اسلامی دانشجویان با اشاره به این مطلب که یکی از اضای دفتر تحریر در اجلاس سالیانه خود در مهرماه گذشته گفته بود: "افتخار ما این است که اجراه ندادم چنان... در دانشگاه تهران نفس بکشد"؛ اثلهار داشت، واقعاً این است فضای برادری و انصاف؟".  
(رسالت ۶۸/۱۰/۱۲)

### فضای دمکراسی در جمهوری اسلامی

ناطق نوری در اجتماع اصناف و بازاریان تهران: "... در این کشور کسی جرات ندارد به ولایت قیه بگوید بالای چشمتو ابرو است".

### محبوبیت رهبر

سپس ناطق نوری "با اشاره به راهنمائی مردم در اعتراض به تجاوز آمریکا و گردنهای در جلوی مجلس شورای اسلامی" گفت، "ما در مجلس گفتم آقا این قطعنامه ای که در ده ماده تنظیم شد و در جلوی مجلس قرایت گردید چرا یک جا هم اسم رهبر و اطاعت از ولی قیه را تاکید نکردید و هیچ ماده ای از مواد قطعنامه به این مورد اختصاص نداشت. قلب همه مردم با رهبر است. همه دنیا توجه شان به رهبر ماست. بد است که در مجلس قطعنامه ای نوشته شود و هیچ مجتبی از رهبری نباشد. مردم به این مسئله معتبر شدند.

ناطق گفت: در جواب ما گفتند آقا من گویید ما از امام مجلیل نکنیم، از رهبر مجلیل بکنیم، حقه بازی را ببینید چقدر است، می خواهدن با نام پیامبر (من) نام علی (ع) را ببینید! ما هرچه دارم از علی دارم. کی گفته است شما از امام مجلیل نکنید! ما می گوییم حقه بازی نکنید! .  
(رسالت ۶۸/۱۰/۱۲)

ایجاد خواهد شد" و هدف برنامه، تکرار می کنیم هدف برنامه این است که درخ بیکاری در حد فعلی یعنی ۱۵ درصد باقی بماند و تها برای کسانی که وارد بازار کار می شوند اشتغال ایجاد می شود و بیکاری موجود از بین خواهد رفت". به بیان دیگر میلیونها بیکار و بی خانمان نباید هیچ انتظاری از برنامه پنجمال داشت. باید حتی نسبی وضع زندگی خود داشته باشند. به بیان دیگر اینده تاریکی در انتظار توده های زحمتکش است. آها می توان آن را تغییر داد؟ آری، اما یکانه راه عبارت است از مبارزه متحد و مشکل.

\* \* \*

می کند، به حقوق زندانیان سیاسی و بطور کلی همه شهروندان ایران روش و آشکار است.

ما از همه مجامی بین المللی می خواهیم تا رژیم را برای آزاد کردن بازداشت شدگان، که بی شک در حال حاضر تحت شدیدترین آزارهای جسمی و روحی قرار دارند، زیر فشار قرار دهند. شایسته خانواده جهانی پیشیت نیست که مردم ایران را در چنگال حاکمانی چنین خونریز و دمنتش تها بکنارند. مر اعتراض و فریادی بر علیه رژیم حاکم بر ایران، پاسخی است به ندای وجودان انسانی.

### آزادیخواهان ایران!

رژیم "ولایت قیه" که با شعارها و وعده های عوام ریان و نیز در سایه نقص آزادی های دمکراتیک بر میهنمان تحمیل شد، نمی تواند در جهانی که حتی حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی در آن مجبور به عقب نشینی است، دوام آورد. گسترش نارضایی حتی در میان عناصر و جریان های واپسی به حاکمیت و در کنار آن تشدید اختلافات درونی رژیم، زمینه مساعدی را برای تحقیق آزادی میلیونها ایرانی در زمینه سرکنونی رژیم "ولایت قیه" فراهم کرده است. تظاهرات ۲۷ بهمن ماه نشان می دهد که اینک، بیش از هر زمان دیگری می توان، از عوامل داخلی و خارجی سود جست. اما این امر، با میزان آمادگی مهه نیروهای ضد رژیم برای همکاری در راه تحقق خواست میرم خلق های ایران ارتباط مستقیم دارد. برای دستیابی به این هدف مقدس می توان و باید دست به دست هم داد. نباید فراموش کرد که حساسیت لطفه فلی، مسویت هر جریان یا شخصیت سیاسی را صد چندان می کند.

### کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۶۸/۱۱/۲۸

### اعلامیه کمیته مرکزی ...

سالگرد انقلاب بهمن، که زیر شعارهای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به پیروزی رسید، به چشم خوبش شاهد تابع حاکمیت شاهزاده ایران از حقوق مصروف کردن شهروندان ایران از حقوق مصروف کردن چهانی حقوق پسر، وضع فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی که به بیکاری میلیونی، گرانی، کمبود مایحتاج مورد نیاز مردم، گسترش مفاسد اجتماعی منجر شده، میلیونها ایرانی را تا سرحد انفجار تاریخی به پیش برد است. هزاران نفر که در تظاهرات روز جمعه شرکت کردند، بخوبی از چکونکی واکنش رژیم آگاه بودند. آنان بر حسب تجربه می دانستند که هرگونه حرکت پر خصلت رژیم جعل و جنایت، پاسخی جز کلوله، زندان، شلاق و شکنجه در بر خواهد داشت. اهمیت این رویداد نیز دقیقاً در همین جاست. زیرا هنگامی که با وجود عوامل پیشکشته، هزاران انسان، در اوج خشم و از جریان به خیابانها می ریزند، در عمل ثابت می کنند که زندگی در جهنم جمهوری اسلامی برای آنان به امری غیرقابل تحمل بدل شده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، عمل خد انسانی ارگان های سرکوبکر رژیم در حمله به انسان های بی دفاع و ضرب و جرح آنان را شدیداً محکوم می کند. ما از همه آزادیخواهان و انسان دوستان جهان، ارگان ها و مجامی بین المللی و بیویژه کمیسیون حقوق پسر سازمان ملل متحد می خواهیم تا نسبت به این جنایات به اعتراض بپرخیزند. نباید فراموش کرد که هنوز چند روز بیشتر از پایان دیدار غاینده آن کمیسیون از ایران غمی گذرد. همه شاهد بودم که رژیم در خلال این دیدار همه گونه تمهداتی را مهیا کرد تا وضع را در این باره پرخلاف آنچه که هست، نشان دهد. اکنون برای ارگان های فرصت مشاهده واقعیات عربیان فرارسیده است. میزان تعهد رئیسی که بدون هرگونه ملاحظه ای، در روز روشن و در خیابان های پایتخت، با گروهی تظاهر کننده غیر مسلح این چنین برخورد

### هر دم از این باغ ...

حریت آور آنکه، بازیزد مردوخی صریحاً می گوید: "... ما احتیاج به سرمایه گذاری های وسیع نداریم. چرا؟ به گفته وی به این دلیل که در حال حاضر "ظرفیت های تولیدی خالی هستند". او می افزاید که منابع ارزی مورد نیاز صنایع در مجموع ۴۵ میلیارد دلار است. از این مبلغ فقط ۸ تا ۹ میلیارد دلار صرف سرمایه گذاری در طرح های نیمه تمام خواهد شد. بقیه ۲۸-۳۷ میلیارد دلار "صرف تامین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز واحد ها" می گردد". چنین است مایهت عیقاً صد خلقی سیاست اقتصادی - اجتماعی رژیم. کارشناس برنامه و بودجه اعتراف می کند که در طول برنامه پنجمال ۲۰۰ هزار محل اشتغال در صنعت

های تولیدی خالی به کار هزاران تن جهت تنظیم برنامه، آنهم برنامه پنجماله نیازی بود؟ علت تعطیلی واحدهای تولیدی و یا اداهه کار آنها یا ژرفیت ۲۰ درصد، نبود ارز برای خرید مواد اولیه، نیم ساخته یاری و قطعات منفصله است. همه می دانند که صنایع ایران، ۹۰ تا ۷۵ درصد وابسته به اندھارهای چند ملیتی هستند. بکار اندخت مجدد این صنایع نیاز به ارز خارجی دارد نه برنامه پنجماله عمرانی. هدف برنامه می باید ایجاد صنایع مستقل براساس تکنولوژی مدرن و صنایع کوچک کمکی برای تامین مواد اولیه و نیم ساخته و غیره برای آنها می بود. در غیراینصورت کشور ما برای اید

قدرات ارزی واحدی پاشند، سود خواهد برد.. امروز اتحاد شوروی ۱۷ میلیون تن نفت به آلمان دمکراتیک صادر می کند. اگرما این مقدار نفت را به قیمت جهانی و در مقابل ارز بپرداشیم، سود عظیمی به دست خواهیم آورد. این اصل دریاراه صدور گاز، پنهان، سنگ های معدنی و خیلی مواد مصرفی دیگر نیز صادق است. و یا آنکه جنبه دیگری از مسئله را در نظر بگیریم. تقریباً ۶۰ تا ۷۰ درصد صادرات برخی از بخش های صنعتی آلمان دمکراتیک در بازار اتحاد شوروی به فروش می رسد. اگر صریح گفته باشیم، این محصولات، زیاد هم با استاندارد بین المللی همخوان نیست و در غرب خردباری ندارد. اگر وحدت آلمان صورت گیرد، مناسبات ما با آن شکل دیگری پس خود خواهد گرفت و روابط اقتصادی براساس جدیدی استوار خواهد بود. در چنین صورتی کالاهای را که در اراضی کنونی آلمان دمکراتیک تولید خواهد شد به چه کسی خواهند فروخت؟ در اینجا مفصلی بسیار جدی پیدا کرده است.

شما درباره زمان پرسیدید. واقعا هم پیشکوئی بسیار مشکل است. اما فکر می کنم که وحدت، علیرغم آنچه در "بن" تصویر می کنند، با سرعت صورت تغییرات دارد. برای این کار چندین سال لازم است.

- مسئله آلمان، چه تاثیری می‌تواند روی روند همپیوندی اروپا باشد؟  
- اینکه روند وحدت آلمان از جریان همپیوندی اروپا پیشی می‌گیرد، ما را تکران ساخته است. و این نکرانی تنها مربوط به ما نیست بلکه شامل فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها نیز هست. غی توان اجازه داد که رویدادهای آلمان ساختمان خانه مشترک اروپا را متوقف کند...

- ما می دانیم که به هنگام تصویری بسیاری دریا مسئله آمان در "اناوا" بحث های خیلی حادی جریان داشت. این بحث ها پیرامون چه موضوعی؟

- پايهندگان غرب، روی اين فورمول اصرار داشتند: وزرای شش دولت پس از انتخابات ۱۸ مارس در آلمان دمکراتيك برای مذاکره پرمارون مفضل آلمان ملاقات کنند. با اين پيشنهاد، پيانه شکل خطرناکي بخود مى گرفت. چنان بر من آمد که ما عمالاً سرنوشت رهبری کشور آلمان دمکراتيك را تعیین کرده ايم و به اين نتيجه رسیده ايم که در انتخابات شکست خواهد خورد و ما ترجیح مى دهیم با آن دیروهايی که اکنون در آيونزیون هستند، مذاکره کنیم.

طرف شوروی قاطعه‌انه علیه این فورمول  
موضع کبیری کرد. ما اعلام کردیم که اگر آلمان  
قدراً و متعدد آن بخواهد روی این فورمول  
اصرار کنند، امضای پیمانه غیرمکن خواهد بود و  
هیچ کنفرانس "شش گانه"‌ای تشکیل نخواهد  
شد. بالاخره این فورمول حذف شد.

ناپذیری مرزهای بعد از جنگ و نیز مرزهای دیگر کشورها را در نظر دارم که باید تضمین گردد. چنین تضمین تنها می‌تواند یک سند حقوقی بین المللی باشد

## بخش‌هایی از مصاحبه خبرنگار "ایزوستیا" با شواردناذر:

در پاسخ به خبرنگار "ایزوستیا" درباره مسئله آلمان و چکوونگی طرح آن در کنفرانس آسمان باز" در اتاوا" و اینکه چرا هوارد نادزه در آن کنفرانس به موضوع آلمان نپرداخت، وزیر خارجه شوروی گفت:

پاسخ: در سخنرانی من مسئله اروپا مطرح نبود. اما دیگر سخنرانان دراین باره سخن کفتند. حرف بر سر آن است که هنوز قبل از تشکیل کنفرانس، همقطاران من موضوع اتحاد آلمان را بطور گستردۀ مورد بررسی قرار داده بودند. همه با این روح صحبت می کردند که آلمان واحد باید در "ناتو" باقی ماند. البته من با این موضوع موافق نبودم. اما اگر من در آن جلسه همه دلایل مان را طرح می کدم، هتما به من اعتراض می شد، و چنان بخشی آغاز می گردید که در تحلیل نهایی مفصل آسمان باز" طرح نشده باقی می ماند.

- من درک می کنم که پیشگویی درباره سیاست، کارپیسیار مشکلی است. با وجود این می خواستم پیش بینی هم را درباره مدت و طریق وحدت آلان بدانم. گذاام فکل از اشکال برای اتحاد شوروی مورد قبول است؟

- به نظر من پیشنهاد هانس مودرو رئیس دولت آلمان دمکراتیک بسیار جالب است. او یک برنامه بسیار معقول و سنجیده عرضه کرد.  
محمد احمدی، قاردادی، - مناسات، کنفدرالیست -

بمجموع موارد این مسابقات مدرسانیوی  
قدارسایون - و بالاخره وحدت آلمان که پایتخت  
آن در مرحله آخر برلین خواهد بود. یعنی حرف  
بر سه مسئله است. مودرو این اصل را که  
وحدت آلمان یک روند تدریجی است، می‌پذیرد.  
در عین حال با مواضع پرشی از دیگر  
رهبران مشکل می‌توان موافقت کرد. آنها  
مفصل آلمان را (بودجه همه آنچه که در ارتباط با  
آلمان دمکراتیک است) به موضوع مبارزه  
انتخاباتی میدل کرده اند. مثل اینکه رهبران  
احزاب گوناگون دریاره اینکه چه کسی را دیگر کمال  
ترین و انتقام‌برین شعارها را مطرح خواهد  
کرد، به مسابقه گذارده اند. در گفتگو با  
گنش من به او پیشنهاد کدم تا دریاره

پیامدهای این موضوع بیندیشد. می خواهم یادآوری کنم که اتحاد چاهیر شوروی هنوز سخن آخر را نگفته است. بدکار هیچکس تصویر نکند که اگر آمان واحد بخواهد به عضویت "ناتو" در پیاپی، اتحاد شوروی دست روی دست خواهد گذاشت. ما اشکال گوناگونی را ذخیره دارم. مجموعه مغایلات دیگر جنبه اقتصادی دارد. مناسبات میان اتحاد شوروی و آلان دمکراتیک طی دهها سال شکل گرفته است به نظر من اتحاد شوروی از اینکه زمانی آلان دمکراتیک و آلان

وَهُدْتُ دُوَّالِمَانَ ...

گیرد. در اینجا باید همه چیز صریح و روشن باشد. در پایان از آنچه که گفته شد می‌توان تیجه گرفت که روند وحدت آلمان باید بطور ارگانیک با روند مجموعه اروپا همراه با خط اساسی آن، یعنی شکل گیری ساختار اصولاً نوین اروپائی امیتی، که جانشین گروه‌بندی‌ها خواهد شد، در ارتیاط و همخوان باشد.

- در اتاوا، وزرای امور خارجه درباره مکانیسم مذاکرات پیرامون مستعله آلمان فدرال با شرکت اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، فرانسه، آلمان فدرال و آلمان دمکراتیک مذاکره کردند. می توانید درباره نقش این مکانیسم توضیح دهید؟

- درواقع سخن برسن شکل معین بررسی مستعله آلمان میان شش دولت یادشده است. باید بگویم اندیشه چنین عملی در مسکو و پایتخت های کشورهای غربی در یک زمان واحد و بطور مستقلانه زایده شد. در این باره ما با هانس مودرو و سپس با هلموت کهل صحبت کردیم و داشتیم استناد به "اولویت" معنا نداشت.

پایه حقوقی آن با تابیغ چنگ، با مسئولیت چهار دولت دریاره نقش آینده آلمان در جهان پیوند دارد. در عین حال این مسئله تغییرات عظیمی را که از آن دوران در اروپا و جهان و نیز در دو دولت آلمان بوجود آمده، درنظر می‌گیرد. و آنچه بطور شرطی "۲+۴" (چهار دولت متفق و دو آلمان) نامیده می‌شود، وارد این شکل از مکانیسم می‌کند.

البته اثربخشی اینگونه مشورت ها و وجهه آنها با درجه اعتماد و نیز تبادل اشکار نظرات میان ممه شرکت کنندگان ارتباط دارد. طبیعی است که دولت های مستقل می توانند هرگونه مقام و از جمله دریاره مسئله آلمان براسانند دوچاره و یا چند جانبه داشته باشند. ولی ما چنین برخوردی را که سه یا چهار طرف ابتدا بین خود به توافق پرسند و بعد موضوع مورد موافقت را به اطلاع دیگران برسانند، غیرقابل پذیرش می شمارم و این عملانیز غیرقابل قبول است.

- در این معادله عناصر تبعیض درباره دیگر کشورهای هرکت کننده در جنگ وجود ندارد.

- سوال بحثی است. درست به همین دلیل بدون کاهش نقش مشروط تاریخ چهار دولت، ما مکانیسم "۲+۴" را با روند مجموعه اروپا و همچنین درک منافع ویژه دیگر کشورها که در این فورمول اورده نشده اند، پیومند می دهیم. البته دفاع از منافع ملی حق قانونی آن کشورها نباید هست. قبل از هر جزء من لهستان و خذشه

پرایر عموم و هم در دیدار با شخصیت‌های سیاسی آلمانی گفته ام، بوجود آمدن دو دولت آلمان قساوت تاریخ است و تاریخ هم باید تعیین کند که بالاخره در آغزین تحلیل شکل دولتی موجودیت ملت آلمان چکووه خواهد بود. حال تاریخ بدون اینکه انتظار آن باشد، با سرعت عمل گرد. در این شرایط ما باریکر تاکید کردم که خود آلمانی‌ها باید تعیین کنند که کی، طی چه زمانی و در چه اشکالی وحدت آنها تحقق خواهد یافت. در ملاقات با هانس مودرو و بالاصله پس از آن با هلموت کهل در این پاره گفتگو شد. اما این فقط یک طرف مفصل است. در مذاکرات پیشکشته تنها درباره این وجه صحبت نشد.

### - منظور شما چیست؟

قبل از همه وحدت دو آلمان تنها مربوط به آلمانی‌ها نیست. با وجود احترام تمام به حق ملی آنها وضع چنان است که نمی‌توان بنا را بر این گذشتگی که آلمانی‌ها نخست میان خود به توافق پرسند و بعد این توافق را برای تأیید به دیگران ابلاغ کنند. چیزهای بنیادی وجود داره که خانواده بین المللی حق دارد از آن باخبر نیاشد. مسائلی که نمی‌تواند به گونه‌ای دو همراه مطرح شود.

افزون بر این از همان آغاز باید روش گردد که نه روند نزدیکی آلمان قدرال و آلمان دمکراتیک، نه وحدت آلمان باید به منافع ملی همسایه‌کان و بطور کلی به منافع هیچکس ضرر و زیان برساند.

علاوه بر خدشه ناپذیری مرزهایی که در تیجه جنگ جهانی دوم بوجود آمده اند و دارای اهمیت درجه اول هستند، پیامدهای دیگری هم وجود دارد. هیچکس مسئولیت چهار دولت را از میان نبرده و این مسئولیت را فقط آنها هستند که می‌توانند از خود سلب کنند. هنوز قرارداد صلح با آلمان وجود ندارد. و فقط این قرارداد می‌تواند در محدوده حقوق بین المللی، موقعیت قانونی آلمان را در ساختار اروپا تعیین کند.

طی زمان طولانی، هرچه باشد، امنیت توسط دو تحدیه نظامی - سیاسی و روش و ناتو حفظ می‌شود. فعلاً تنها شرایط برای ایجاد سیستم نوین امنیتی در اروپا فراهم می‌شود. به همین سبب نقش این دو تحدیه نیز حفظ می‌گردد، گرچه شکل آن به موازات کاهش مقابله مسلحانه، تصفیع عنصر نظامی و تشدید جنبه‌های سیاسی آن تغییر می‌باید. لذا وحدت آلمان نیز باید با درنظر گرفتن این وضع، یعنی با جلوگیری از بروم خودن توازن نظامی - استراتژیک میان این دو سازمان بین المللی انجام ادامه در ص ۷

## وحدة دو آلمان : دیروز و امروز

بالاصله بعد از جنگ که برای مردم کشور ما در عین غرور قانونی پیروزی، با اندوه غیر قابل تصور و نفرت طبیعی از عاملان آن همراه بود، اتحاد شوروی علیه تقسیم آلمان را داد. اینکه بعداً در شرایط "جنگ سرد" رویدادها چه سمت و سوی گرفتند، مربوط به ما نیست و ما مستولیت آن را به همده نداریم.

به این باید اضافه گرد: حتی پس از تشکیل دو دولت آلمان، دولت اتحاد شوروی همراه با آلمان دمکراتیک، در راه تحقق اصل وحدت آلمان به مبارزه خود ادامه دادند. در سال ۱۹۵۰ اتحاد شوروی از پیشنهاد آلمان دمکراتیک درباره احیای حاکمیت واحد آلمان پیشیانی کرد. دهم مارس ۱۹۵۲، دولت شوروی، برنامه وحدت آلمان در چهارچوب حکومت دمکراتیک و بی‌طرف را مطرح کرد. غرب این پیشنهاد را نپذیرفت. در سال ۱۹۵۴ در جلسه وزرای امور خارجی در برلن، ما باریکر پیشنهاد تشکیل آلمان واحد به دور از نظامی گری را پیش کشیدم. این بارهم با پاسخ منفی روبرو شدم. یک سال بعد، یعنی ۱۵ آگوست ۱۹۵۵، دولت شوروی پیشنهاد ایجاد آلمان واحد با تشکیل دولت منتخب ناوشی از انتخابات آزاد را پیش کشید و خواستار انعقاد قرارداد صلح با آن شد. این پیشنهاد هم ۱۹۵۷-۱۹۵۸ پیشنهاد ارائه شده از طرف آلمان دمکراتیک، که از سوی ما نیز قعالانه حمایت می‌شد، و هدف ایجاد کنفرانسیون آلمان بود، حتی مورد مطالعه قرار نکرفت. در سال ۱۹۵۹ پیشنهاد جدید اتحاد شوروی در جلسه مشورتی وزرای امور خارجی چهار کشور روی میز آمد: با آلمان متحده واحد که عضو هیچیک از گروه‌بندی‌های سیاسی - نظامی نباشد، اما دارای پتانسیل نظامی معین باشد، قرارداد صلح امضا شود - تیجه یاز همان بود.

آری. به هنگام انتقاد قرارداد مسکو، اتحاد جماهیر شوروی، مستله پایان دادن به جدائی آلمان را از نظر دور نداشت. شاهد این مدعای پذیرش نامه ای است از جانب دولت ما تحت عنوان "نامه درباره وحدت دو آلمان" که براند و شل پیوست قراردادی کردند که به امضا رسیده بود. چنین است واقعیات.

چنانکه می‌بینید، این مستله برای ما تازگی ندارد. همانگونه که من بارها هم در

مسئله وحدت آلمان دمکراتیک و آلمان فدرال که به یکی از مسائل حاد در محاله سیاسی تبدیل شده، توجه همه جهانیان را به خاطرنشان ساخت که رسانه‌های گروهی غرب - بیویه آلمان غربی - که عمدتاً در انصار نیروهای راست ارتجاعی مستند، از کلیه امکانات و حتی تحریف اظهارات سوان کشورها برای رسیدن به هدف خود یعنی آنچه "بلیه دن آلمان دمکراتیک" گفته می‌شود، استفاده می‌کنند. و این نیز تصادفی نیست. حزب دمکرات مسیحی، به رهبری کهل، صدراعظم کشوری آلمان فدرال، مواضع خود را در جامعه از دست می‌دهد. انتخابات محلی در يك سال اخیر که تقریباً در همه جا با کاهش چشمگیر تعداد رای دهنده‌گان به این حزب همراه بود، زنگ خطری است برای حزب حاکم که در آستانه انتخابات جدید پارلمانی (دسامبر ۱۹۹۰) قرار دارد.

حزب دمکرات مسیحی برای جلب رای ملی گرایان، شوونیست‌ها و راست‌های ارتجاعی می‌کوشد تا از "کارت آلمان" هرچه بیشتر ببره گیرد. در جریان این کارزار، گاه به عمد همه واقعیات تاریخی نیز به دست فراموشی سپرده می‌شود و یا تحریف می‌گردد. به این سبب اطلاع دقیق از پیشنهاد تاریخی مسئله وحدت دو آلمان از بسیاری جهات می‌تواند مفید باشد.

■ روزنامه پراودا (۲۱ فوریه ۱۹۹۰) مصاحبه خبرنگار خود با میخائل کاریاچف را درج کرده است. علاوه براین روزنامه ایزوستیا یک روز قبل مصاحبه‌ای از ادوارد شواردنادزه وزیر خارجی شوروی منتشر کرده بود. مردو این مصاحبه‌ها به موضوع پیشنهاده شده این مسئله وحدت دو آلمان در گذشته و حال اختصاص دارد. "نامه مردم" در زیر بخش هایی از این دو مصاحبه را به اطلاع خوانندگان می‌رساند:

\*\*\*

پاسخ میخائل کاریاچف به خبرنگار پراودا

پرسش: چنانکه می‌دانید در غرب درباره وحدت آلمان، و از آن جمله درباره تنازع ملاقات شما با صدراعظم کهل نظرات کوناکوفی مطرح می‌شود. در این زمینه شما چه می‌توانید بگویید؟

پاسخ: این پرسش مهم است و یکی از مسائل پر اهمیت سیاست معاصر بین المللی به شمار می‌رود. نخست باید بگویم وحدت حق خود آلمان هاست. ما هیچوقت این حق را نفی نکرده‌ایم. من می‌خواهم یادآور شوم که حتی